

مسائل منطقه هیچگاه برای ما بیش از یک «کنجکاو ساده» مطرح نبوده است. خیلی از مردم ما حتی به اندازه اطلاعاتی که رسانه‌ها در اختیارشان می‌گذارند از اوضاع منطقه باخبر نیستند. گویی جمهوری اسلامی مستقل از شرایطی که در منطقه وجود دارد، پیش خواهد رفت که مردم کمتر به مقتضیات پیرامونی آن توجه می‌کنند البته این موضوع یک دلیل دیگر هم دارد. سیاست داخلی و مسائل میان جناح‌ها و گروه‌ها، تنها «سیاست» و خلاصه آن تعریف می‌شود و کسی احوالی از پیرامون نمی‌پرسد. کشتی‌ای را در نظر بگیرید که در اقیانوسی با توفان‌های سهمگین و موج‌های خروشان، به دنبال یافتن و حرکت در مسیر مشخص شده است. سیاستی که امروز تعریف می‌شود شبیه بحث و جدل‌هایی است که در داخل کشتی و میان کسانی که آن را پیش می‌برند، می‌شود و کمتر توجهی از سوی مسافران و برخی مسوولان کشتی به توفان‌های سهمگین و موج‌های خروشان می‌شود که پیرامون کشتی می‌گذرد. حال آنکه ممکن است اقیانوس آنقدر متلاطم شود که کشتی را غرق کند. در این شرایط عقل حکم می‌کند سواران کشتی به همان اندازه که حواسشان به داخل است به بیرون هم باشد. شاید اوضاع امروز کشورهای منطقه از مثال «کشتی» و «اقیانوس متلاطم» خطرناک‌تر نیز باشد. منطقه پیرامونی ما امروز دچار آشنفتگی‌های فراوانی است. ترور، جنگ داخلی، کودتا، خطر تجزیه، نفوذ تفکر تکفیری و افراطی، نسل‌کشی، آوارگی زنان و کودکان و سالمندان، فروپاشی خانواده‌ها و خردادهای متعددی که غرب آسیا و شمال آفریقا را به پریشان‌حالی امروز رسانده است، از امنیت‌های ملی کاسته است و بیشتر کشورهای منطقه را از سطح «قدرت‌های ملی» نیز پایین‌تر آورده است. این در حالی است که از جمهوری

اسلامی به عنوان یک «قدرت منطقه‌ای» و «قدرت اول منطقه» یاد می‌شود. در شرق ایران افغانستان و پاکستان شرایط آشفته‌ای دارند، حال ترکیه هم این روزها خوب نیست و شورش‌ها علیه دولت اردوغان هر روز رنگ تازه‌ای می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران، کمربند امن خاورمیانه اما در میانه این نزاع‌ها همزمان با درگیر بودن با اندوه جانکاه ستم‌هایی که به مسلمانان می‌رود، دارای اقتداری است که امروز به بسیاری از خود مردم کشورهای منطقه به آن غیبطه می‌خورند و در گفت‌وگوهای شان از آن حرف می‌زنند و می‌شنوند. خبرنگار «وطن امروز» با مردم بسیاری، از کشورهای پیرامونی جمهوری اسلامی گفت‌وگو کرده است و گزارش می‌دانی «مؤلفه‌های اقتدار جمهوری اسلامی از نگاه مردم منطقه» دارد. مردمی که سالیان متمادی است در آرزوی «امنیت»، روزگار می‌گذرانند. امنیتی که آمریکا و ادعای دموکراسی با حضور طولانی مدت در منطقه برای آن را از مردم این کشورها سلب کرده است. با یکی از مهاجران سوری که پس از بحران سوریه، و در سال ۲۰۱۲ به عراق آمده بود، صحبت می‌کردم. وی از متفان اقتصادی در کشورهای حوزه خلیج فارس و از ثروتمندان مخالف بنشار اسد بود. او که می‌گفت در ابتدای مخالفت‌ها با بنشار اسد پول فراوانی برای کنار رفتن اسد هزینه کرده است، خود نیز قربانی پول‌هایی شده که خرج کرده است. او می‌گفت: هیچگاه به این فکر نمی‌کردم که

نقشه آمریکا و اسرائیل و توسعه گروه‌های تکفیری و رویاپردازی‌های اردوغان و کینه عربستان خفدر برای کشورم هزینه به بار بیاورد. وی چند تن از سنگانش را از دست داده بود و بحران سوریه تر و خشک خاندان و ایل و تبار او را باهم سوزانده بود. از او درباره چرایی مهاجرت به عراق سوال کردم در حالی که می‌دانستم از حال و روز بد امنیت در عراق هم خبر دارد. او گفت: زمانی که مهاجرت کرد، داعش هنوز حوزه نفوذ خود را گسترش نداده بود. مهاجر ثروتمند سوری، درباره ایران و اقتدار جمهوری اسلامی در منطقه و جهان هم نظرات تأمل‌برانگیزی دارد. او معتقد است: آنچه باعث شده است ایران در دریای متلاطم خاورمیانه خود را به ساحل امن برساند، مردمی هستند که می‌دانند چه به دنبال چه هدفی هستند. مردمی که می‌دانند چه می‌خواهند و چه نمی‌خواهند. من مسائل ایران را رصد می‌کنم. ایرانیان حتی در شرایطی که به دولتی متمایل به مذاکره با غرب رأی داده‌اند، هنوز دست از شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر انگلیس» برنداشته‌اند، چون می‌دانند آمریکا قابل اعتماد نیست. افراد زیادی همین حرف این مهاجر سوری را در پاسخ به سوال‌های من درباره دلیل اقتدار جمهوری اسلامی



گزارش میدانی از مؤلفه‌های اقتدار جمهوری اسلامی در نگاه مردم منطقه

«مرگ بر آمریکا» شناسنامه ماست

■ محمدرضا کردلو

تکرار می‌کردند. حاجی موسوی، یک عراقی - ایرانی است که سرجمع چندماهه بیشتر ایران نبوده است و بیشتر عمرش را در عراق سپری کرده است. گویا خانواده مادری‌اش اهل رشت بودند و خانواده پدری‌اش در نجف زندگی می‌کرده‌اند. او که برادرش در درگیری با داعش به شهادت رسیده است، به من گفت: «خیلی مانده تا دنیا بفهمد امریکاست که داعش را مدیریت می‌کند». من به او گفتم: اما مادر در ایران می‌داندیم داعش دست‌پرورده امریکاست، مردم هم می‌دانند. در خود عراق هم خیلی‌ها این را می‌دانند. گفت: پس چرا با امریکادوستی می‌کنید؟! تصور او این بود که توافق یا برجام به منزله دوستی با امریکاست. برای او توضیح دادم ما فقط در موضوع هسته‌ای و فقط به خاطر اینکه به چالشی طولانی مدت در میان ایران و غرب تبدیل شده بود، با امریکا مذاکره کردیم، اگر نه هنوز بر سر همان مواضع ضد امریکایی مان هستیم. با حالتی میان‌خنده و تعجب گفت: آن‌شالله. به او گفتم: مثل اینکه مواضع آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را دنبال نمی‌کنی که این حرف‌ها را می‌زنی؟ عبارت درنا تصحیح کرد. گفت: امام خامنه‌ای حفظه‌الله، چرا! می‌کنم ولی حرف‌های اوایما درباره دوستی با ایران و تغییر در رژیم ایران را هم دنبال می‌کنم! حاجی موسوی ادامه داد: همه در مادر عراق این است که اینجا کسی را نذاریم که شبیه امام خامنه‌ای با دشمن رزک و بدون رودریاستی مواجهه کند. برای همین دشمن بسر ما راحت‌تر مسلط می‌شود. من گفتم: پس مرجعیت دینی چه می‌شود؟ می‌گفت: تنها یکی - دو نفر از مراجع به اینکه دشمن اصلی مردم عراق، امریکاست، باور دارند. این حرف را راننده یکی از اتوبوس‌های انتقال زائران هم می‌زد. در تمام این مدت یکی از دریافت‌هایم این بود که مردم منطقه و مردم معمولی منطقه خوب از اوضاع خبر دارند. دوست و دشمن را بهتر از برخی صاحب‌منصبان است. اگر چه قصور نهادهای فرهنگی و رسانه‌ها و صداوسیما و مکر معاندان شبکه‌های ماهواره‌ای تأثیرات خود را گذاشته است؛ اما کمی حقیقت‌جویی نشان خواهد داد وضعیت امروز منطقه گواه روشنی بر درستی سیاست‌های استکبارستیزانه جمهوری اسلامی است. کاروان چند ده نفره‌ای از بحرن برای زیارت حضرت اباعبدالله(ع) به کربلا آمده بودند. از اینکه برادران و خواهران شیعه بحرینی را می‌دیدم به شعف آمده بودم که از کشوری که هنوز تحت دیکتاتوری حاکم دست‌نشانده امریکاست و هر روز شیعه‌کشی می‌شود و زنان و کودکان بی‌گناه کشته می‌شوند، جمعیتی با



نبود «طغیان اقیانوس» با ما چه خواهد کرد! برای برخی شاید این تعبیرات، شعارگونه به نظر برسد. اما با سفری به کشورهای منطقه قطعاً به حقایق دست خواهند یافت که تاکنون برای‌شان شاعر تلقی می‌شده است. اگر چه قصور نهادهای فرهنگی و رسانه‌ها و صداوسیما و مکر معاندان شبکه‌های ماهواره‌ای تأثیرات خود را گذاشته است؛ اما کمی حقیقت‌جویی نشان خواهد داد وضعیت امروز منطقه گواه روشنی بر درستی سیاست‌های استکبارستیزانه جمهوری اسلامی است. کاروان چند ده نفره‌ای از بحرن برای زیارت حضرت اباعبدالله(ع) به کربلا آمده بودند. از اینکه برادران و خواهران شیعه بحرینی را می‌دیدم به شعف آمده بودم که از کشوری که هنوز تحت دیکتاتوری حاکم دست‌نشانده امریکاست و هر روز شیعه‌کشی می‌شود و زنان و کودکان بی‌گناه کشته می‌شوند، جمعیتی با

اوج گرفتن قدرت یک کشور خاص، عرصه بین‌الملل را دچار تحولات بسیاری خواهد کرد. در این میان هر کشوری برای ساخت و افزایش قدرت خود روی مؤلفه‌های ویژه‌ای سرمایه‌گذاری می‌کند. عمدتاً این مؤلفه‌ها برخاسته از هویت و ماهیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی همان کشور است. علاوه بر اینها عوامل دیگری نیز در این ساخت قدرت تأثیر دارند که وابسته به ویژگی‌های هر کشور است. ایران در ابتدای انقلاب قدرت ملی بود. یعنی حوزه تسلط حاکمیتش جامعه ایران و نقشه ایران بود. روزی که استارت انقلاب اسلامی زده شد، فاز اول پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شروعی برای تبدیل ایران به قدرت منطقه‌ای جهانی بود. قدرتی که سعودی‌ها برای به‌دست آوردن آن بسیار پول خرج کردند اما آنها نمی‌دانستند مؤلفه‌های اقتدار آفرین صرفاً منابع مالی سرشار نیست. قدرت در منظومه فکری و اندیشه سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران با تعریف رایج آن در دنیای غرب تفاوت دارد. مفاهیمی همچون قدرت‌طلبی، کسب منافع حداکثری به هر وسیله ممکن و توسعه دامنه تحکم با تضعیف دیگر ملت‌ها در این نظام فکری جای ندارند. در مقابل مؤلفه‌های قدرت در تعین نسبت با آموزه‌های اسلامی و تضمین رشد و تعالی بشر است که معنای روشن‌تری پیدا می‌کند و از این رهگذر سلامت نظام سیاسی - اجتماعی را تأمین خواهد کرد. در غیر این صورت تلاش برای افزایش قدرت، هرج‌ومرج را در جامعه بیشتر کرده و در نهایت تنها قانون جنگل را به رسمیت خواهد شناخت. قدرتی که بدون توجه به اخلاق ساختار پیدا می‌کند در واقع بلای جان بشر خواهد بود. این گزاره نیازی به اثبات ندارد و مهم‌ترین گواه آن جنگ‌ها و ناامنی‌های مختلف در طول تاریخ بشریت است. آنچه با عنوان قدرت سخت و قدرت نرم در ادبیات سیاسی از آن یاد می‌شود تا زمانی که متصف به ارزش‌های اخلاقی نباشند نمی‌توانند تضمینی اطمینان‌بخش برای افزایش ثبات در هر کشور یا منطقه‌ای از دنیا به حساب آید. جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی که از ابتدا به دنبال ارائه الگوی مطلوب حکمرانی اسلامی بوده است، براساس آموزه‌های دینی در ساختار قدرت خود نظام اتکایی را به وجود آورده که در اندیشه سیاسی حفظه‌الله و شاعر «مرگ بر آمریکا». هر چه بیشتر با مردم با لهجه‌های عربی مختلف از کشورهای مختلف صحبت می‌کردم بیشتر به نقطه اشتراکی که میان آنها در نگاه به مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی بود، می‌رسیدم. اینکه ولایت‌فقیه یکی از ارکان اقتدار جمهوری اسلامی است، اینکه وحدت مردم در اطاعت از رهبری جامعه ضامن بقای جمهوری اسلامی است، اینکه عدم اعتماد به امریکا پیشرفت‌های اساسی را در ایران حاصل کرده است و اینکه اساساً روحیه مردم در ایران نسبت به اسلام و مبین روحیه قابل ستایشی است، تقریباً در بیشتر حرف‌هایی که می‌شنیدم با عبارات متفاوت وجود داشت. آنها صریح و بدون تعارف ایران را کشوری امن و پشتوانه‌ای مستحکم برای خود می‌دانستند و از قدرت ایران حرف می‌زدند. نه یک قدرت ملی و منطقه‌ای.

قدرتی که حالا با ۶ قدرت جهانی سر یک میز می‌نشیند و با آنها مذاکره می‌کند. نگاه خیلی از مردم نسبت به توفاق و برجام هم همین‌گونه بود. در کشورهای منطقه، مردم به نفس مذاکره با غرب به مرجعیت سندی از یک اقتدار جمهوری نگرستانند. آنها کمتر از محتوای توفاق باخبر بودند اما این را می‌گفتند که قدرت ایران، امریکا را سر میز مذاکره آورده است. قدرتی که به تعبیر آنها حالا فراتر از سطح منطقه تعریف می‌شود. در دنیا ۳ تقسیم‌بندی قدرت وجود دارد. حد پایین قدرت، قدرت ملی است. حد متوسط، قدرت منطقه‌ای و حد عالی قدرت بین‌المللی است. قدرت، محور تمام روابط بین‌الملل است. یعنی کل جهان سیاست را یک کلمه قدرت تشکیل می‌دهد. همه چیز براساس قدرت شکل می‌گیرد. اگر در ریاضیات عدد مفهوم محوری است در حوزه روابط بین‌الملل و جهان سیاست، قدرت محوری‌ترین مفهوم است. مساله قدرت و افزایش آن یکی از راهبردهایی بوده که در ابعاد مختلف همواره به عنوان برنامه اساسی در کشورهای مختلف پیگیری می‌شده است. نگرانی درباره افزایش یا کاهش قدرت کشورها یکی از محورهای مهم در مباحث سیاسی است و تحلیل‌گران در این باره اظهار نظرهای گوناگونی داشته‌اند. این مساله تا به آنجا اهمیت دارد که افول یا

اشاره

۳ خاطره آموزنده از مدرس



مدرس و روستایی نابینا

در سفری که پدرم (مدرس) به اصفهان داشت همراه او بودم، به اسفند رفتیم تا از ۲ مجتمع مسکونی که به همت او برای زارعین ساخته شده بود بازدید نماییم. اهالی دیه‌های اطراف گروه‌گروه در مسجد اهالی دیدار می‌آمدند، در میان آنان پیرمرد نابینایی حضور داشت که به علت کمپول و ناتوانی قادر به نوشتن فنانچان جای مقابل خود نبود، مدرس از جای خود برخاست، در کنارش نشست از حال و روز گزارش پرسید. با دست خود قند را در دهان او گذاشت و جای را در نعلبکی ریخته خنک نمود و آرام آرام به او نوشتانید، درست مانند پدری که کودک عزیز خود را غذا می‌دهد، روز بعد به عیادتش رفتیم زندگی‌اش را سسر و سامان داد. با تمام اعتقاد می‌گویم مدرس در تمام طول تاریخ این مملکت بی‌نظیر است.

در شهر، خانه و در روستا، زمین

فراموش نمی‌کنم گروهی از مردان سیاست به مناسبت یکی از اعیاد به دیدار مدرس آمده بودند و لاجرم از هر دری می‌گفتند. وقتی من با سینی چای و مقداری خرما وارد اتاق شدم آقا این جمله را بیان می‌نمود:

کسانی که در شهر زندگی می‌کنند باید خانه بسازند و آثانی که در ده بسر می‌برند باید زمین کشاورزی داشته باشند، بزرگ‌ترین آفت برای فلاحت مملکت همین شهرهاست که روستاییان را می‌بلعد. اگر امکاناتی که در شهرهاست برای روستاییان فراهم شود در محل خود می‌مانند و به شهرها هجوم نمی‌آورند، در آینده فلاحت و زراعت ما مواجه با این آفت بزرگ است.

ایرانی بچه‌ترس شده است!

ایرانیان بویژه رجال‌شان بچه‌ترس شده‌اند. کسی پرسید آقا بچه‌ترس چگونه است؟! مدرس پاسخ داد: هر گاه دیده باشید وقتی خانه ما غالباً پر بود از کسانی که سیاسی بودند! یا می‌خواستند سیاسی شوند! و اگر هیچ‌کدام نبودند به سیاست‌بافی می‌پرداختند. روزی اتاق آقا پر بود از چنین افرادی که وصفشان را شنیدید. از سیاست و قدرت انگلستان صحبت بود و اینکه باید از مکر و حیله و قدرت انگلیس خود را مصون داشت، مدرس از آن همه بحث و جدل حوصله‌اش به سر آمد و در میان سخن آنان گفت:

ایرانیان بویژه رجال‌شان بچه‌ترس شده‌اند. کسی پرسید آقا بچه‌ترس چگونه است؟! مدرس پاسخ داد: هر گاه دیده باشید وقتی کلاهی از بالای سر مرغ و خروس می‌پرد، آنها به سروصدا می‌افتند. مشهور است که یکی از خروس بزرگ و نیرومندی پرسید، با این همه صلابت و قدرت چرا وقتی کلاغ را می‌بینی از ترس سروصدا می‌کنی؟ خروس پاسخ داد به‌خاطر اینکه در روزگار کودکی زمانی که مادرم کلاهی می‌دید فوراً ما را زیر بال‌وپر خود پنهان می‌کرد و ناله سر می‌داد؛ لذا امروز هم که با یک حمله می‌توانم هر کلاهی را فراری دهم به علت سابقه ترس و ترسیدن در ایام کودکی از کلاغ می‌ترسم. نکته مهم این است که ما را هم از انگلستان یا دولت‌های قدرتمند دیگر ترسانده‌اند و در حقیقت ایرانیان بچه‌ترس شده‌اند.

دریافت پیام‌های شما در شبکه‌های اجتماعی

۰۹۲۱۸۳۶۴۷۹۶



سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

www.vatanemrooz.ir

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱